

از نوعثمانی گرایي اردوغان تا ملی گرایي گولن

گسست اسلام گرایی ترکیه در آستانه انتخابات

۴ دورنما
سیدرحیم نعمتی

رحب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه، بعد از انتخابات شهرداری ها در ماه مارس نفس تازه‌ای کشید. او تا انداز‌های حق داشت چون سالی پرنش را پشت سر گذاشته بود و تنش داخلی در ترکیه تا یک قدمی سقوط او رسیده بود اما نتیجه این انتخابات وضعیت را برای او تغییر داد. حزب اردوغان یا حزب عدالت و توسعه در این انتخابات به پیروزی رسید و هر چند که خود انتخابات شهرداری‌ها اهمیت چندانی در شطرنج سیاسی ترکیه ندارد اما پیروزی در آن می‌تواند مقدمه‌ای برای پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری باشد که کمتر از چند ماه تا برگزاری آن باقی مانده است. این نخستین بار است که رئیس‌جمهور ترکیه با رأی مستقیم مردم برگزیده می‌شود و برای اردوغان اهمیت زیادی دارد تا با پیروزی در آن نظام سیاسی ترکیه را از سیستم پارلمانی به سوی سیستم ریاستی سوق دهد البته با ریاست جمهوری خود او. در این میان، مشکل برای او همچنان باقی است. متحد دیروز او مبدل به تهدید شماره یک او شده و حالا نخست‌وزیر ترکیه به دنبال آوردن این تهدید به ترکیه و مجازات او است. نام او فتح‌الله گولن است.

■ جنبش گولیست

تا همین یکی دو سال قبل نام فتح‌الله گولن عمومی نشده بود و در اخبار، رسانه‌ها و تحلیل‌های مرتبط با تحولات ترکیه چندان نامی از او برده نمی‌شد. اعترافات می – ژوئن سال ۲۰۱۳ و جریان دستگیری‌ها و پرونده‌های فساد مالی، اردوغان و دولتش را به چالش سستگین کشاند که موجب برکناری قریب به ۹ وزیر از کابینه شد و حتی نزدیک بود نزدیک‌ترین افراد اردوغان نیز دستگیری روانه زندان شوند. اردوغان نیروی پلیس و دستگاه قضایی را متهم به توطئه کرد و اشاره مستقیم به گولن داشت که در پشت این توطئه نقش رهبری آن برای براندازی دولتش دارد. این شد که فتح‌الله گولن خود به خود از پرده درآمد و مبدل به مهرهای جدی در شطرنج سیاسی ترکیه شد و دیگر نمی‌توانست کیلومترها دورتر و در خلوت خودخواستگارش بماند. او تا کن موقع اکراه از مصاحبه داشت دیگر ناچار شده بود تا دعوت رسانه‌ها را بپذیرد و به نوعی از خود دفاع کند به اینکه نقشی در تنش داخلی ترکیه ندارد اما این دفاع فایده‌ای نداشت و کسی نمی‌دانست که جنبش مرتبط به او درست در وسط معرکه داخلی ترکیه است. جنبش گولیست به‌نام خدمت (خدمت) خوانده می‌شود که گولنه‌های ترکیه از آن به عنوان جماعت، جامعه، یاد می‌کنند. گولن این جنبش را دهه ۷۰ بنیان گذاشت اما آن موقع نمی‌توانست در ترکیه دوام بیاورد چون کمالیست‌های حاکم به همراهی ارتش چندان نظر خوشی به او نداشتند و به همین دلیل، او مجبور شد بین زندان و خروج از کشور یکی را انتخاب کند. او گزینه دوم را انتخاب کرد و از سال ۱۹۹۹ برای یک تبعید خودخواسته به آمریکا عزیمت کرد. این تبعید خودخواسته به معنای پایان کار گولن و جنبش او نبود بلکه او از دور هدایت جنبش را به عهده گرفت و دست به توسعه آن زد. پایه اصلی در هدایت جنبش با تأسیس مدارس و مراکز آموزشی بود که گفته می‌شود جنبش گولیسی بیش از ۲۰۰۰ مؤسسه آموزشی در ۱۴۰ کشور دارد که عمده آنها‌از کیفیت آموزشی قابل توجهی برخوردار هستند. از سوی دیگر، جنبش از سوی بخشی

۴

اردوغان و حزب او را می‌توان ادامه راهی دانست که پیش از او توسط نجم‌الدین ارکان، نخست‌وزیر ترکیه در سال‌های ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹، شروع شده بود این راه به طور کلی آمیزه‌های از مردم‌سالاری، اسلام سیاسی با مایه‌های ملی‌گرایي ترک است که به لحاظ تاریخی ریشه خود را در قبل از ترکیه نوین و در امپراتوری عثمانی می‌بیند. از این جهت است که اردوغان با جنبش از ۲۰۰۳ باعث شد تا نخست‌وزیر بتواند اهرم قابل توجهی در مهار ارتش به دست بیاورد و دیگر دچار دولت اسلام‌گرای قبلی نشود که با اشاره ارتش و با کودتایی آرام از کار برکنار شد. در واقع، این اتحاد از دید تفکر گولنی بی‌وجه نبود زیرا گولن و هواداران او با وجود خاستگاه‌های اسلام سیاسی در اردوغان اما او و همکارانش را محافظه‌کاران دموکراتی می‌دیدند که با مبنای فکری آنها چندان تعارضی نداشت. گولن که وارث تعالیم سعید نورسی، ۱۹۶۰–۱۸۷۶، است نوعی نگرش صوفیان یا به قولی عرفان‌گرا، به دنبال تبیین رابطه‌ای با آموزه‌های اسلام اندک‌دینای متحد است که در آن تأکید اساسی بر فردگرایی شده به نحوی که سرف ماردین جامعه‌شناسی آن را شخصی‌گرایی، Personalism، می‌نامد. این شخصی‌گرایی در تعالیم گولن آموزه دینی را در حریم شخصی نگمی‌دارد بدون آن اجزاهای سه‌ان در عرصه عمومی داده شود و به همین دلیل است که گولن و جنبش او داره به شدت مخالف دخالت دین در عرصه سیاسی یا به عبارت دیگر، به شدت مخالف اسلام سیاسی است. روشن است که این نگرش تا جایی می‌توانست با نگرش اردوغان و دیگر رهبران عدالت و توسعه همراهی کند و در جایی راه این دو از هم جدا می‌شود. اردوغان و حزب او را می‌توان ادامه راهی دانست که پیش از او و توسط نجم‌الدین ارکان، نخست‌وزیر ترکیه در سال‌های ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹، شروع شده بود. این راه به طور کلی آمیزه‌ای از مردم‌سالاری، اسلام سیاسی با مایه‌های ملی‌گرایي ترک

■ از اتحاد تا جدایی

این توان اجتماعی جنبش گولیست و به خصوص افراد هوادار آن در نیروی پلیس و دستگاه قضایی ترکیه کمک قابل توجهی برای اردوغان در آغاز کارش بود. اتحاد اردوغان با جنبش از ۲۰۰۳ باعث شد تا نخست‌وزیر بتواند اهرم قابل توجهی در مهار ارتش به دست بیاورد و دیگر دچار دولت اسلام‌گرای قبلی نشود که با اشاره ارتش و با کودتایی آرام از کار برکنار شد. در واقع، این اتحاد از دید تفکر گولنی بی‌وجه نبود زیرا گولن و هواداران او با وجود خاستگاه‌های اسلام سیاسی در اردوغان اما او و همکارانش را محافظه‌کاران دموکراتی می‌دیدند که با مبنای فکری آنها چندان تعارضی نداشت. گولن که وارث تعالیم سعید نورسی، ۱۹۶۰–۱۸۷۶، است نوعی نگرش صوفیان یا به قولی عرفان‌گرا، به دنبال تبیین رابطه‌ای با آموزه‌های اسلام اندک‌دینای متحد است که در آن تأکید اساسی بر فردگرایی شده به نحوی که سرف ماردین جامعه‌شناسی آن را شخصی‌گرایی، Personalism، می‌نامد. این شخصی‌گرایی در تعالیم گولن آموزه دینی را در حریم شخصی نگمی‌دارد بدون آن اجزاهای سه‌ان در عرصه عمومی داده شود و به همین دلیل است که گولن و جنبش او داره به شدت مخالف دخالت دین در عرصه سیاسی یا به عبارت دیگر، به شدت مخالف اسلام سیاسی است. روشن است که این نگرش تا جایی می‌توانست با نگرش اردوغان و دیگر رهبران عدالت و توسعه همراهی کند و در جایی راه این دو از هم جدا می‌شود. اردوغان و حزب او را می‌توان ادامه راهی دانست که پیش از او و توسط نجم‌الدین ارکان، نخست‌وزیر ترکیه در سال‌های ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹، شروع شده بود. این راه به طور کلی آمیزه‌ای از مردم‌سالاری، اسلام سیاسی با مایه‌های ملی‌گرایي ترک

فرسایش قدرت امریکا در هندسه جهانی

بود اما با اذعان به ناتوانی امریکا در تأمین اهداف خود به تنهایی، به صورت تلویحی این برآورد را تأیید کرد که نظم نوین جهانی مبتنی بر قدرت تک‌محور، رویایی بیش‌نیزه و امریکانیزمند قدرت‌های دیگر بوده، ناچار به استفاده از ظرفیت‌های سسایر دولت‌ها و باز یگران بین‌المللی (اتلاف‌سازی، جلب مشارکت، تطمیع و همراهی، احترام و توزیع نقش و کارویژه) است. هیگل مدعی شد که «مریکا همچنان قدرت بی‌نظیر باقی می‌ماند.» هیگل با اشاره به اینکه او هم در جریان دیدگاه‌ها و بازآورد مرئی مرتبط با ضعف قدرت نظامی امریکا در جهان معاصر به ویژه در دوره مدیریت جدید پنتاگون قرار دارد، افزود: «مریکا هنوز قدرت مسلط است اما این بدان معنا نیست که امریکا بتواند به تنهایی همه مشکلات را حل کند.»

هیگل در واکنش تند به کسانی که قدرت امریکا را «در حال فرسایش» متوالی و مستمر می‌دانند، ناتوانی یا ترسو بودن ساختار نظامی امریکا در کاربست قدرت نظامی را تذکذب کرد و ادعا کرد که استفاده امریکا از قدرت نظامی به صورت تلویحی این برآورد را تأیید کرد که نظم نوین جهانی مبتنی بر قدرت تک‌محور، رویایی بیش‌نیزه و امریکانیزمند قدرت‌های دیگر بوده، ناچار به استفاده از ظرفیت‌های سسایر دولت‌ها و باز یگران بین‌المللی (اتلاف‌سازی، جلب مشارکت، تطمیع و همراهی، احترام و توزیع نقش و کارویژه) است. هیگل مدعی شد که «مریکا همچنان قدرت بی‌نظیر باقی می‌ماند.» هیگل با اشاره به اینکه او هم در جریان دیدگاه‌ها و بازآورد مرئی مرتبط با ضعف قدرت نظامی امریکا در جهان معاصر به ویژه در دوره مدیریت جدید پنتاگون قرار دارد، افزود: «مریکا هنوز قدرت مسلط است اما این بدان معنا نیست که امریکا بتواند به تنهایی همه مشکلات را حل کند.»

هیگل در واکنش تند به کسانی که قدرت امریکا را «در حال فرسایش» متوالی و مستمر می‌دانند، ناتوانی یا ترسو بودن ساختار نظامی امریکا در کاربست قدرت نظامی را تذکذب کرد و ادعا کرد که استفاده امریکا از قدرت نظامی



۴ رویکرد
احمد کاظم‌زاده

سعود الفیصل، وزیر امور خارجه عربستان سعودی

که طی سال‌های اخیر به دلیل اتخاذ مواضع ضد ایرانی شهرت یافته بود روز سه‌شنبه در آستانه افتتاح همایش همکاری اقتصادی کشورهای عرب با کشورهای آسیای مرکز و اذربایجان در ریاض با اتخاذ رویکردی متفاوت از ابراز تمایل خود و کشورش برای بهبود روابط با ایران خبر داد و از ارسال دعوت‌نامه به دکتر محمدجواد ظریف همسای ایرانی خود برای سفر به ریاض سخن گفت که برخی از رسانه‌ها آن را با توجه به پیشینه روابط خصومت‌آمیز ایران و عربستان در سال‌های اخیر به زلزله سیاسی تعبیر کردند. فیصل در پاسخ به سؤال خیرگزاری رویترز در خصوص رابطه با ایران گفت: «ما دعوت‌نامه‌ای ارسال کرده‌ایم تا ارتباط‌ها بین دو کشور احیا شود. وزیر امور خارجه و رئیس‌جمهور ایران نیز این آمادگی را اعلام کرده‌اند. ما برای آنها دعوت‌نامه فرستاده‌ایم. ما برای وزیر امور خارجه ایران دعوت‌نامه فرستاده‌ایم تا به عربستان سعودی سفر کند اما هنوز تاریخی برای این سفر تعیین نشده است. هر گاه وی تصمیم بگیرد به

۴

به نظر می‌رسد سعود الفیصل با ابراز تمایل به بهبود روابط با ایران کوشیده است عربستان را از دور جدید فشارهای امریکا برای پذیرش سپر دفاع موشکی نجات دهد چرا که امریکا توجهی به برای استقرار این سپر دارد چیزی است که از آن به تهدید ایران تعبیر می‌کنند و اساساً یکی از اهداف پروژه ایران‌هراسی را تشکیل داده است. از این دید اظهارات سعود الفیصل جنبه تاکتیکی می‌یابد



عربستان سعودی باید ما از وی استقبال خواهیم کرد. ایران کشوری همسایه است و ما با این کشور روابط داریم و با آنها مذاکره می‌کنیم. ما با آنها صحبت می‌کنیم به امید آنکه اگر اختلافی وجود دارد به گونه‌ای حل و فصل شود که مورد رضایت دو طرف باشد. امیدواریم ایران بخشی از روندهای مثبتی که منطقه را تاحد امکان امن و شگفتا کند.»

و شخص سعود الفیصل در چند سال اخیر از هیچ تلاشی علیه ایران در رخ نکرده بود و حتی در برخی موارد در اتخاذ ایسن مواضع از رژیم صهیونیستی نیز جلو می‌زد و جالب اینکه هیچ وقت در قبال ابراز تمایل مسئولان صهیونیستی برای ایجاد ائتلاف اسرائیلی-سعودی در قبال نزدیکی ایران و امریکا موضع منفی نگرفتند. حال با چنین پیشینه‌ای این سؤال مطرح است آیا به درستی می‌توان به اظهارات وزیر امور خارجه عربستان خوشبین بود و آن را نشانه‌ای از تغییر رویکرد عربستان تلقی کرد؟ و اینکه آیا این اظهارات می‌تواند نشانه‌ای از پرچم سفید عربستان به ایران باشد؟

■ **متغیرهای تأثیر گذار بر اظهارات فیصل**
به محض اعلام سخنان سعود الفیصل رسانه‌ها به بررسی و تحلیل آن پرداختند. بررسی این تحلیل‌ها نشان می‌دهد که عموماً این رسانه‌ها و تحلیلگران اظهارات فیصل را محسوس فرایندی توصیف کرده‌اند که از ماه‌های گذشته بخصوص از زمان روی کار آمدن دولت روحانی در ایران شروع شده و در مقطع کنونی به نتیجه رسیده است. البته در این تحلیل‌ها به تغییر و تحولات پیرامونی در منطقه و نظام بین‌الملل نیز اشاره شده است. چنانکه روزنامه الری‌ال‌یوم در تحلیل اظهارات فیصل به چند فاکتور و متغیر اشاره کرد که قابل توجه است. به نوشته این روزنامه:

«اولاً: اقدام امریکا به امضای توافق هسته‌ای با تهران باعث شد محاصره اقتصادی ایران به تدریج از این کشور برداشته شود و باراک اوباما رئیس‌جمهور امریکا در سفر ماه گذشته به

پرچم سفید سعود الفیصل

به ایران!

ریاض گفت کشورش می‌خواهد بحران پرونده هسته‌ای ایران با ابزارهای مسالمت‌آمیز و نه با توسل به زور حل و فصل شود. دوم: در موضع عربستان در قبال بحران سوریه یک تغییر بزرگ رخ داده و با ایران در یک زمینه مشترک همسو شده است و هر دو کشور، گروه‌های اسلام‌گرای تندرو در منطقه را خطری می‌دانند که منطقه را تهدید می‌کند.

سوم: عربستان مایل است که راه به روی تلاش‌های قطر برای ایجاد ائتلاف با ایران علیه ریاض بسته شود. قطر عملاً تلاش‌هایش را با ایران در این مدت اخیر تشدید کرده و خالد العطیه وزیر خارجه قطر بارها برای توسعه روابط با ایران به تهران سفر کرده است.» همچنین برخی موانع دیگر وجود داشت که مانع نزدیک شدن تهران و ریاض به یکدیگر می‌شد که مهمترین آنها حضور شاهزاده بندر بن سلطان بود که به اعتقاد برخی از کارشناسان بزرگترین مانع به شمار می‌رفت. از این دید وقوع برخی تحولات در عربستان بخصوص پس از روی کار آمدن شاهزاده مقرن بن عبدالعزیز که رویکردی مثبت در قبال ایران و مقامات این کشور دارد و همچنین دستوراتی که علیه ترویس و تکفیر در عربستان صادر شده است، به بهبود اوضاع کمک کرده است.

از طرف دیگر برخی دیگر از کارشناسان با توجه به درگیری غرب و روسیه در بحران اوکراین بر این نکته تأکید دارند که امریکا و برخی از کشورهای غربی بر این باورند که ایران می‌تواند جایگزین روسیه برای صادرات گاز به کشورهای غربی باشد و در صورتی که توافق نهایی میان ایران و گروه پنج به علاوه یک رخ دهد این فرصت وجود دارد که معامله بزرگی میان ایران و کشورهای غربی حاصل شود که به سود دو طرف خواهد بود

هر چند نقش و تأثیر ایسن عوامل را نمی‌توان نادیده گرفت اما نکته در اینجاست که همه این عوامل و متغیرها به ماه‌ها و سال‌های گذشته مربوط می‌شود و در گذشته نیز می‌توانست عربستان و فیصل را به ایراد اظهارات مثبت در خصوص بهبود رابطه سوق دهد که چنین نشد. بنا بر این باید به ناچار دنبال دلایل و



متغیرهای دیگری بود که سخنان فیصل را در این مقطع توجیه کند. از این نظر تنها متغیر و عاملی که جلب توجه می‌کند سفر چاک هیگل وزیر دفاع امریکا به عربستان برای شرکت در نشست وزرای دفاع اعضای شورای همکاری خلیج فارس در جده است که مهمترین دستور کار آن متقاعد کردن اعضای این شورای به پذیرش سپر دفاع موشکی اعلام شده است. امریکا از سال‌ها پیش در پی ایجاد یک چنین سامانه‌ای است که اعضای این شورا از جمله عربستان به دلایل مختلف زرد بار نمی‌روند. یکی از این دلایل نگرانی این کشورها از سلطه امریکا بر سیستم‌های امنیتی و اطلاعاتی این کشور و پیوند آن با سامانه‌های رژیم صهیونیستی است و دوم نگرانی‌های است که این کشورها از واکنش کشورهایی مانند روسیه و چین دارند. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد سعود الفیصل با ابراز تمایل به بهبود روابط با ایران کوشیده است عربستان را از دور جدید فشارهای امریکا برای پذیرش سپر دفاع موشکی نجات دهد چرا که امریکا توجهی به برای استقرار این سپر دارد چیزی است که از آن به تهدید ایران تعبیر می‌کند و اساساً یکی از اهداف پروژه ایران‌هراسی را تشکیل می‌دهد است. از این دید اظهارات سعود الفیصل جنبه تاکتیکی می‌یابد.

■ **نتیجه‌گیری**

اما در مجموع می‌توان گفت پاسخخ این سؤال که اظهارات سعود الفیصل جنبه تاکتیکی دارد یا استراتژیکی همانند سایر سؤالاتی که در خصوص مسائل خاورمیانه وجود دارد با توجه به ماهیت سییال و گذار تحولات به درستی مشخص نیست و برای هر دو وجه از قضیه می‌تواند مصادیق لازم را پیدا کند. اما آنچه در این میان تردیدی نیست و پاسخ آن روشن است این است که بهبود و گسترش روابط ایران و عربستان به هر دلیلی که صورت گرفته باشد اثری مثبت برای هر دو کشور و منطقه خواهد داشت و با کمک به حل بحران‌ها به روند توسعه و پیشرفت در این منطقه کمک خواهد کرد.